

## خرید از بازار



بچه‌های کلاس زمین به همراه معلمشان تصمیم گرفتند تا برای خرید لوازم تحریر مدرسه به بازار بروند. خانم معلم با لبخندی مهربان به بچه‌ها گفت: بچه‌های خوب، امسال می‌خواهیم خودمان برای کلاس‌مان لوازم تحریر بخریم. هر کدام از شما یک لیست از وسایلی که نیاز دارید تهیه کنید، بعد با هم به بازار می‌رویم. بچه‌ها از شنیدن این خبر خیلی خوش حال شدند. آن‌ها همیشه دوست داشتند خودشان تصمیم بگیرند و کارهای جدیدی را تجربه کنند. هر کدام از بچه‌ها در فصل تابستان هر ماه ۴۰۰ تومان پول پس انداز کرده بود.

روز خرید فرا رسید. ۳ تا از بچه‌ها با ذوق و شوق لیست لوازم تحریر خود را نوشتند. در لیست هر کدام، چیزهای جالبی بود. مثلاً علی دوست داشت یک مداد تراش آدم‌فضایی داشته باشد، کیوان عاشق خودکارهای رنگی بود و حسین به دفترهای طرح‌دار علاقه داشت. این ۳ نفر با کیف پول‌های کوچکیشان به همراه خانم معلم به بازار رفتند. بازار پر از مغازه‌های رنگارنگ لوازم تحریر بود. وارد اولین مغازه شدند، این مغازه انواع مداد، خودکار، پاک‌کن و تراش را داشت.



علی یک مداد تراش برداشت. کیوان هم چند تا خودکار رنگی خوش‌رنگ انتخاب کرد. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه ۵۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها ۲ خودکار، یک تراش و یک پاک‌ن برداشتند. خانم معلّم نیز ۴ بسته ۱۰ تایی مداد برای ۲۰ دانش‌آموزان کلاسش هدیه خرید.

بعد از آن مغازه، به فروشگاه کاغذ رفتند. در این مغازه انواع کاغذ، دفتر، پوشه و چسب وجود داشت. حسین یک دفتر طرح‌دار خیلی زیبا پیدا کرد. بچه‌های دیگر هم دفترها و پوشه‌های مورد نیاز خود را انتخاب کردند. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه ۱۰۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها یک بسته کاغذ، سه دفتر و یک پوشه برداشتند.

مغازه بعدی، مغازه لوازم نقاشی بود. در این مغازه انواع قلم‌مو، رنگ، آبرنگ و مدادرنگی وجود داشت. قیمت کلیه‌ی اجناس این مغازه نیز ۲۰۰ تومان بود. هر کدام از بچه‌ها یک بسته مدادرنگی و یک بسته آبرنگ انتخاب کردند.

وقتی همه‌ی خریدهایشان تمام شد، به سمت صندوق رفتند. در قسمت صندوق، یک آقا با موهای سفید و لبخندی مهربان نشست. بچه‌ها به طرف آقا رفتند و وسایله‌شان را روی میز گذاشتند. آقا بادقت به وسایل بچه‌ها نگاه کرد و گفت: بچه‌های خوب، شما خریدهای خیلی خوبی داشتید. آقابزرگ یک کاغذ و یک خودکار برداشت و شروع به نوشتن کرد. او لیستی از وسایل خریداری شده توسط هر کدام از بچه‌ها را نوشت و کنار هر وسیله، قیمت آن را نوشت. بعد از اینکه لیست را کامل کرد، آن را به بچه‌ها نشان داد و گفت: این چیزی که من نوشتم، فاکتور خرید نام دارد. فاکتور خرید، یک مدرک است که نشان می‌دهد شما چه چیزهایی خریده‌اید و چقدر پول داده‌اید. بچه‌ها با دقت به فاکتور خرید نگاه کردند. آن‌ها

فهمیدند که فاکتور خرید چقدر مهم است. بعد از اینکه آقابزرگ فاکتور خرید را به بچه‌ها داد، آن‌ها از او تشکر کردند و از مغازه بیرون آمدند. وقتی به مدرسه برگشتند، خانم معلّم با آن‌ها در مورد خریدهایشان صحبت کرد و بچه‌ها با هیجان برای خانم معلّم از ماجرای خریدشان گفتند و به او فاکتور خرید را نشان دادند.

خانم معلّم از بچه‌ها به خاطر انتخاب‌های خوب و مسئولیت‌پذیری تشکر کرد. او به بچه‌ها گفت که یاد گرفتن چگونه خرید کردن و استفاده از فاکتور خرید، یک مهارت بسیار مهم است.





داستان را خواندی، حالا به سوال‌ها پاسخ بده.

۱) بچه‌ها برای خرید چه چیزی به بازار رفتند؟

۲) چرا بچه‌ها تصمیم گرفتند خودشان لوازم تحریر بخرند؟

۳) در فروشگاه کاغذ چه چیزهایی می‌فروختند؟

۴) آقابرگ در مغازه به بچه‌ها چه چیزی را یاد داد؟

۵) فاکتور خرید چه کاربردی دارد؟

۶) اگر هر کدام از بچه‌ها ۴۰۰ تومان در ماه پس‌انداز کرده باشد، بعد از پایان تابستان چقدر

پول جمع کرده است؟

۷) حساب کن بچه‌ها از هر مغازه چند تومان خرید کرده‌اند؟

۸) خانم معلم برای دانش‌آموزان کلاسش مداد هدیه خرید. به هر دانش‌آموز

چند مداد می‌رسد؟

